

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای آنتونیو گوترش

دبیرکل محترم سازمان ملل متحد

انسان‌ها در هر جایگاه و مقام و با هر دین و آیین و به هر رنگ و زبان و در هر جای جهان دارای کرامتی ذاتی هستند که خداوند متعال تنها به واسطه انسان‌بودن به آنها عطا کرده است. پس از دوران تلخ جنگ جهانی دوم که برخی دولت‌ها به‌خاطر خودبرتربینی و قدرت‌طلبی، حقوق اساسی و اولیه صدها میلیون انسان را زیرپا گذاشته و انسان‌های بی‌شماری را به خاک و خون کشیدند، فضای جدیدی در مناسبات بین‌المللی شکل گرفت. در این چارچوب دولت‌های پیروز در جنگ که از قضا بیشترین جنایات جنگی را مانند استفاده از سلاح کشتار جمعی هسته‌ای مرتکب شده بودند، در مقام بازخواست دولت‌های مقهور برآمدند و متعاقباً تلاش کردند تا ابزارها و اهرم‌های قدرت جهانی را به انحصار خود درآورند و در این مسیر از هیچ تلاشی برای تحمیل مؤلفه‌های زور و قدرت از طریق بسیاری از سازوکارهای بین‌المللی فروگذار نکردند.

این زورمدارن با کوله‌باری از سوابق استعماری، با ترفندی زیرکانه، چهره ضدانسانی و رویکرد سیاست‌زده و تبعیض‌آمیز خود را در زیر نقاب دروغین حمایت از حقوق بشر و حفظ امنیت بین‌المللی پنهان کردند تا هیمنه ظالمانه خود را این بار در قالب سازوکارهای جهانی حقوق بشری تحمیل کنند. البته در این دوره اسنادی در عرصه بین‌المللی رسمیت یافت که فارغ از اختلاف بر سر مبانی و برخی مصادیق، در لابلای آن مفادی هر چند ضعیف درباره صیانت از حقوق انسان‌ها درج شد که در این میان می‌توان به منشور ملل متحد (مواد ۱، ۵۵ و ۵۶)، اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و میثاقین حقوق بشری مصوب ۱۹۶۶ اشاره کرد، اما سرشت منفعت‌جو و طبیعت خودبرتربین برخی قدرت‌ها اجازه نداد که ملت‌های مستقل بتوانند به کمترین بخش از حقوقی که در آن اسناد، به رسمیت شناخته شده دست یابند و به همین دلیل سایه سیاست هیچ‌گاه از روی حقوق بشر برداشته نشد و از همین رو حتی تبدیل کمیسیون

سیاست‌زده و گزینش‌گر حقوق بشر به شورای حقوق بشر در سال ۲۰۰۶ نیز نتوانست انسان و حقوق او را حتی در تخصصی‌ترین سازوکار حقوق بشری سازمان ملل متحد در صدر نشاند، بلکه در آنجا هم سیاست و قدرت میدان‌دار شد و انسان و حقوق او تماشاگر و یا بازیچه بازی‌های سیاسی میان قدرت‌ها گردیدند.

از منظر هر وجدان حقیقت‌جو و عدالت‌طلبی، جرم خارج‌سازی نام رژیم عربستان سعودی از فهرست سیاه کشورهای کودک‌کش و عدم نظارت ویژه بر عملکرد آن، کمتر از جرم این رژیم در کشتار کودکان معصوم یمنی نیست. به اعتراف سازمان‌های بین‌المللی، عربستان سعودی با استفاده از سلاح‌های مرگبار خریداری‌شده از برخی کشورهای غربی تا کنون هزاران کودک و نوجوان یمنی را در فجایعی همچون بمباران اتوبوس حامل دانش‌آموزان، بمباران هوایی منازل مسکونی، مدارس و بیمارستان‌ها به خاک و خون کشیده و با کشتن یک کودک در هر هفت دقیقه (به اذعان یونیسف)، رکورددار جهانی قتل عام کودکان شده‌است. آنچه که تأسف هر انسان آزاده‌ای را برمی‌انگیزاند این است که سازمان ملل به پاس جنایت عربستان در کشتار ۲۲۲ کودک یمنی در سال ۲۰۱۹، نام عربستان را از فهرست کشورهای کودک‌کش حذف کرد!

در شرایطی که همه آزادیخواهان به ضرورت جایگزینی نگاه عدالت‌محور به جای قدرت‌محور در مناسبات جهانی اذعان دارند، جمهوری اسلامی ایران با عزمی راسخ و برخورداری از دیرینه‌ای افتخارآمیز و متکی به باوری الهی آماده است تا به سهم خود برای برقراری عدالت، صلح و امنیت جهانی و صیانت از حقوق و کرامت انسان بیش از پیش در عرصه بین‌المللی نقش‌آفرینی نموده و در این مسیر از هیچ تلاشی برای همراهی و همکاری با ارکان مختلف سازمان ملل دریغ نخواهد کرد.

حاکمیت اصول و مبانی دینی بر همه قوانین و مقررات از جمله قانون اساسی مترقی جمهوری اسلامی ایران و نیز رویه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این سرزمین، بزرگ‌ترین ضامن صیانت از حقوق انسان‌ها در ایران است. ریشه‌های فرهنگی و علمی ملت ایران در کنار پیشینه دینی و روحیه‌ی استقلال‌طلبی و آزادی‌خواهی، ایران را به کشوری صاحب سبک و پیشرو در تدوین اصول، مبانی، شاخص‌ها و معیارهای حقوق بشری در طول تاریخ و در گستره جهان تبدیل کرده‌است تا جایی که در دوره اوج‌گیری کرونا و در حالی که کشورهای مدعی حقوق

بشر، دسترسی ملت ایران به تجهیزات پیشگیری از شیوع ویروس کرونا و مقابله با این بیماری را تحریم کرده بودند، جمهوری اسلامی ایران سخاوتمندانه ابزارهای لازم برای درمان این بیماری را در اختیار کشورهای قرار داد که نقش مؤثری در تحریم ملت ایران حتی در عرصه‌ی دارو و درمان داشته و هنوز هم دارند.

ایمان و باور راسخ دینی، زیرساخت مستحکم فرهنگی، چارچوب‌های متقن قانونی و رویه‌های ریشه‌دار اجتماعی و هم‌چنین نگاه اعتقادی به حقوق بشر و صیانت از آن، رکن اصلی سبک زندگی فردی، اجتماعی و حاکمیتی در جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد که برخی از دستاوردهای عینی و ملموس چنین فرآیندی عبارت است از:

- در حوزه حقوق زنان، افزایش میزان اشتغال و مشارکت بیش از ۴۰ درصدی آنان در اقتصاد کشور و احراز پُست‌های مدیریتی عالی از جمله به‌عنوان معاون رئیس جمهور، نماینده مجلس شورای اسلامی، سفیر، قاضی، فرماندار، شهردار و ...؛

- در حوزه حق بر سلامت، راه اندازی و توسعه ۱۹ هزار خانه بهداشت روستایی و ۷ هزار مرکز جامع سلامت، اجرای "طرح تحوّل نظام سلامت" و تضمین دسترسی همگان به خدمات بهداشت و درمان و در نتیجه کاهش مرگ و میر نوزادان از هر هزار نوزاد به ۸/۹ نفر و از هر هزار مادر باردار به کمتر از ۲ نفر و کسب رتبه ۱۸ در زمینه پایین بودن میزان مرگ و میر بر اثر سرطان کبد، رتبه ۱۰ در پایین بودن سرطان دهانه رحم و ...،

- در زمینه ریشه کن نمودن فقر، پرداخت ماهانه یارانه نقدی به خانواده‌های کم درآمد و ایجاد مقدمات اجرای طرح پرداخت یارانه خرید کالاهای اساسی برای ۶۰ میلیون نفر، فقرزدایی و توسعه مناطق روستایی و کم برخوردار؛

- در زمینه حق دسترسی به آب آشامیدنی سالم، تأمین دسترسی ۹۵ درصد مردم کشور به آب آشامیدنی سالم و بهداشتی و ۸۸ درصد به سیستم‌های فاضلاب بهداشتی؛

- در زمینه حق دسترسی به غذای کافی، کاهش مرگ و میر ناشی از سوء تغذیه به ۰/۲۵ نفر در هر ۱۰۰ هزار نفر که در مقایسه با میانگین جهانی (۳/۳)، امریکا (۰/۶۹) و ترکیه (۰/۵۴) در جایگاه بالاتری قرار دارد؛

- در حوزه حقوق مهاجران و پناهندگان، میزبانی بیش از ۲ میلیون نفر از مهاجرین و اتباع کشورهای افغانستان، عراق و سایر کشورها، تحصیل رایگان حدود ۵۰۰ هزار دانش‌آموز افغانستانی در مدارس ایران که حدود ۱۳۸ هزار نفر از آنان افراد لازم‌التعلیم فاقد مجوز بودند که بر اساس فرمان مقام معظم رهبری مشغول به تحصیل شدند، تحصیل رایگان بالغ بر ۱۷ هزار دانشجوی افغانستانی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا در دانشگاه‌های سراسر ایران، پوشش بیمه سلامت رایگان برای بیش از ۱۰۰ هزار نفر از اقشار آسیب‌پذیر و کم‌درآمد جامعه پناهندگان، پوشش بیمه سلامت برای تمامی کودکان پناهنده معلول با همکاری دفتر نمایندگی کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان؛
- در حوزه حقوق اقلیت‌ها، مشارکت فعال گروه‌های اقلیتی در تمام عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور (داشتن سهمیه ثابت در مجلس شورای اسلامی)؛
- در حوزه آزادی بیان، تصویب قانون جرم سیاسی (رسیدگی به جرائم سیاسی با حضور هیات منصفه) و اجرایی‌شدن آن پس از ابلاغ آیین‌نامه مربوط از سوی رئیس قوه قضائیه؛
- در حوزه دسترسی به آموزش، افزایش میزان باسوادی تا ۹۶ درصد و قرارگرفتن ایران در جایگاه پنجم جهان در زمینه افزایش دانش‌آموختگان در رشته‌های علوم، فناوری، مهندسی و ریاضی؛
- در زمینه دسترسی به اطلاعات، تأمین دسترسی ۴۲ میلیون نفر به اینترنت و کسب رتبه ۱۷ جهان؛
- در حوزه آزادی مطبوعات و رسانه‌ها، فعالیت بالغ بر ۱۵۰ رسانه خارجی ازجمله بی.بی.سی انگلیسی و عربی و ۳۱۰ روزنامه نگار فعال رسانه‌ای خارجی؛
- در حوزه حق بر دادرسی عادلانه، ایجاد تحول در نظام قضایی کشور به‌ویژه در چارچوب قانون "برنامه ششم توسعه"، از جمله افزایش دقت و سرعت در ارائه خدمات قضایی، ایجاد فرصت برابر دسترسی به خدمات قضایی برای آحاد مردم با راه‌اندازی دفاتر ارائه خدمات الکترونیک قضایی، پیشگیری از وقوع جرم و کاهش جمعیت کیفری، افزایش حل و فصل اختلافات از طریق داوری و ایجاد و توسعه نهادهای داوری، ایجاد سامانه پیشرفته بازرسی برای کشف تخلفات قضات و کارکنان دستگاه قضایی؛

- در حوزه حقوق زندانیان و عدالت گستری، ارتقای وضعیت زندان‌ها، توسعه زیرساخت‌های لازم با همکاری سازمان‌های غیردولتی و عمومی، کمک به کاهش ده درصدی سالانه آمار مجرمان با بهره‌مندی از تأسیس‌های جدید کیفری مانند "تعلیق تعقیب" یا "تعلیق اجرای مجازات"، "تعویق صدور حکم"، "آزادی‌های مشروط" و "مجازات‌های جایگزین حبس"، تصویب قانون اخیر در مورد کاهش مجازات حبس تعزیری یا صدور بخش‌نامه‌های مربوط به مقابله با بیماری کرونا توسط رئیس قوه قضاییه و در نتیجه مرخصی موقت بیش از ۱۲۰ هزار زندانی، عفو و تخفیف مجازات حدود ۱۲ هزار نفر با اعمال رأفت اسلامی و در چارچوب مقررات قانونی از ابتدای سال ۲۰۲۰ تا کنون و رضایتمندی ۷۰ درصدی مردم از قوه قضاییه به دلیل مبارزه با فساد طبق نظرسنجی‌های استاندارد و معتبر؛
- در حوزه حمایت از خانواده‌های زندانیان، مشاوره و راهنمایی، جلب رضایت شاکیان، حمایت‌های نقدی و غیرنقدی، اعطای تسهیلات اشتغال و حرفه‌آموزی، معرفی به سازمان‌ها و نهادهای حمایتی، فعالیت‌های فرهنگی، ورزشی، آموزشی و پیگیری قضایی امور آنان؛
- در حوزه حمایت از کرامت انسانی مردم، اختصاص بیش از یک‌سوم از دستورالعمل‌ها، بخش‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های ابلاغی رئیس قوه قضاییه به مسایل مربوط به حقوق بشر و کرامت انسان از جمله «دستورالعمل حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی در قوه قضائیه» و «سند امنیت قضایی»؛
- اینها تنها بخشی از اقدام‌های حمایتی و ارتقایی جمهوری اسلامی ایران در عرصه حقوق بشر در چارچوب قوانین داخلی و قواعد بین‌المللی و فراتر از آن است.
- حال این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که به‌راستی و فارغ از هرگونه رویکرد سیاست‌زده، کدام کشور شایسته نظارت ویژه حقوق بشری است؟
- دولتی که برای اجرای تعهدات خود حتی در شرایط سخت شیوع ویروس کرونا و گسترش تحریم‌های یک‌جانبه‌ی غیرقانونی و ظالمانه، در عمل، پای‌بندی حداکثری خود را برای صیانت از حقوق مردم به‌ویژه تضمین سلامت آنها سرلوحه کار خود قرار داده،

- دولتی که در ۴ دهه‌ی گذشته با برگزاری بیش از ۴۰ انتخابات آزاد حتی در سخت‌ترین شرایط جنگی و شدیدترین حملات سازمان‌یافته گروه‌های تروریستی، پایبندی عملی خود به رأی و نظر مردم را به اثبات رسانده،

- دولتی که به گواه آمارِ مراجع بین‌المللی همواره در مسیر ارتقای وضعیت همه اقشار به‌ویژه زنان، کودکان، سالخوردگان و دیگر گروه‌های آسیب‌پذیر بوده،

- دولتی که در قبال کشورهای غربی فروشنده سلاح‌های شیمیایی به دیکتاتور بغداد و ممانعت آنها از نقش-آفرینی بازدارنده شورای امنیت سازمان ملل برای استمرار استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی صبر و مدارا را پیشه کرده، یا

- دولتی که با اجرای تحریم‌های یکجانبه فراگیر و بسط آن به حوزه‌های غذا و دارو، جان هزاران شهروند ایرانی را به مخاطره انداخته و یا حق حیات را از آنها سلب کرده یا

- دولتی که سلاح کشتار جمعی در اختیار متجاوزان و اشغالگران کشور ایران قرار داده و یا

- دولتی که هم سلاح شیمیایی به صدام فروخته و هم از اقدام شورای امنیت برای جلوگیری از استمرار کاربرد این سلاح‌ها جلوگیری کرده‌است!!

در چنین وضعیتی یک کشور مدعی حقوق بشر که سابقه سیاهی در نقض گسترده و متنوع حقوق شهروندان از جمله بومیان داشته و حتی از ارائه خدمات کنسولی به ایرانیان مقیم آن کشور به‌عنوان یکی از حقوق مسلم بشر ممانعت نموده و به همین دلیل مشکلات فراوانی را برای صدها هزار ایرانی ایجاد نموده‌است، طبق روال سال‌های گذشته بانی ارائه قطعنامه‌ای به هفتاد و چهارمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل گردید و علی‌رغم فزونی آرای غیرموافق بر موافق و در یک فرآیند کاملاً سیاست‌زده، ایران را به‌عنوان کشوری که نیازمند بررسی وضعیت حقوق بشر است، معرفی نمود. بر این اساس، روشن است که مأموریت جناب‌عالی برای ارائه گزارش سالانه از وضعیت حقوق بشر در ایران محصول یک فرآیند سیاست‌زده و به دور از انگیزه‌های حقوق بشری است.

فارغ از تمام ایرادهای شکلی و محتوایی درباره نفس صدور قطعنامه سیاسی مجمع عمومی سازمان ملل در رابطه با وضعیت حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران و روند معیوب کنونی که دستاوردی جز تضییع حقوق بشر و مخدوش نمودن سازوکارهای حقوق بشری سازمان ملل و سیاست زده کردن مفهوم مقدس حقوق انسان را ندارد، براساس مفاد قطعنامه A/RES/74/167 مأموریت دبیرکل سازمان ملل به طور مشخص عبارت است از "تهیه گزارش در مورد پیشرفت‌های صورت گرفته در اجرای قطعنامه"؛ از این رو، از منظر منطقی در این گزارش باید هم وجوه مثبت و هم ابعاد منفی وضعیت حقوق بشر مدنظر قرار گرفته و در کنار ذکر ادعاهای نقض حقوق بشر، موارد صیانت و نیز ارتقای وضعیت حقوق بشر نیز مطرح شود، اما متأسفانه گزارش حاضر صرف نظر از درستی و یا نادرستی ادعاها و اتهامات مندرج در آن، به طور کامل بر روی موارد منفی متمرکز شده و تلاش‌ها، تدابیر و اقدام‌های منتج به ارتقای وضعیت حقوق بشر در ایران هیچ جایگاهی در آن ندارد.

اگرچه در مقدمه گزارش به هفتاد و پنجمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد عنوان نموده‌اید که این گزارش بر مبنای اطلاعات دریافت شده از "گروه‌های غیردولتی" است، ولی بررسی‌ها نشان می‌دهد که نه تنها شالوده گزارش، مبتنی بر ادعاهای واهی و اتهام‌های اثبات نشده گروه‌های تروریستی و وابسته به دولت‌های معاند جمهوری اسلامی ایران است، بلکه متن اصلی گزارش با مفاد این ادعاها و اتهام‌ها تنظیم شده و هر جا هم که به دلخواه، نویسنده گزارش تمایل داشته نظرات رسمی طرف ایرانی را ذکر کند، آن را در انتهای پاراگرافی که ادعا و اتهام این گروه‌ها را درج نموده و صرفاً با عبارت "نظر دولت جمهوری اسلامی ایران" همراه کرده است. به عبارت دیگر، گزارش عملاً با مبنای قرارداد ادعاها و اتهام‌های گروه‌های تروریستی و معاند ملت ایران، دچار نوعی پیش‌داوری ناعادلانه در قبال وضعیت حقوق بشر در ایران گردیده است. بنابراین، گزارش خواسته و یاناخواسته، بر اساس ادعاها و اتهام‌های گروه‌های تروریستی و معاند ملت ایران بنا شده و به این ترتیب متأسفانه در گزارش جناب‌عالی به ادعاها و اتهام‌های آنها علیه جمهوری اسلامی ایران وجاهت و مشروعیت بخشیده شده است.

پاسخ به ادعاها و اتهامات مندرج در پیش‌نویس گزارش، نیازمند استعلام از مراجع قانونی و صرف وقت برای جمع‌آوری اطلاعات و مستندات مربوط است؛ این در حالی است که طبق سنوات گذشته و به صورت سیستماتیک

مدت زمان بسیار کوتاهی (در حد چند روز) به طرف اصلی گزارش یعنی دولت جمهوری اسلامی ایران برای راستی-آزمایی ادعاها و اتهام‌ها و ارائه پاسخ مستند و مستدل اختصاص داده شده‌است. این اشکالِ شکلیِ گزارش که به‌طور جدی استناد، استدلال و استحکام گزارش نهایی حضرت‌عالی را تحت تأثیر قرار داده و عملاً درستی محتوای آن را با چالش جدی مواجه کرده‌است، با بی‌توجهی به بسیاری از پاسخ‌های دولت جمهوری اسلامی ایران در گزارش نهایی همراه شده و عملاً شرایطی فراهم آورده تا غیرمنصفانه و غیرعادلانه، ادعاها و اتهام‌های تروریست‌ها و دشمنان ملت ایران و جاهت و مشروعیت پیدا کند. بدون تردید این رویکرد یک‌جانبه‌گرایانه، پیش و بیش از آن که تصویر غیرواقعی از وضعیت حقوق بشر در ایران ارائه بدهد، جایگاه، شأن و اعتبار سازمان ملل متحد و دبیرکل آن سازمان را مخدوش نموده‌است.

اتکا به ترجمه لغوی و تحت‌اللفظی یک مفهوم و عبارت حقوقی، زیبنده یک سند بین‌المللی که منشاء آن دبیرکل سازمان ملل باشد، نیست. دلیل اصرار و پافشاری بر ترجمه تحت‌اللفظی مفهوم حقوقی "دادگاه‌های انقلاب" در بند ۲۱ گزارش و ارائه تفسیری صددرصد نادرست از مفهوم حقوقی "دادگاه‌های انقلاب" و ترجمه آن به "دادگاه-های انقلابی" علی‌رغم توضیحات مبسوط و مکرر جمهوری اسلامی ایران، مشخص نیست. برای چندمین بار متذکر می‌شود واژه "انقلاب" در عنوان این نوع از دادگاه‌های اختصاصی و تخصصی به معنی انقلابی (revolutionary) به مفهوم یک اقدام انقلابی (revolutionary act) یا مرجعی موقتی نیست؛ بلکه "دادگاه‌های انقلاب"، به‌عنوان مرجعی اختصاصی برای رسیدگی به جرائم پیش‌بینی‌شده در قانون ازجمله "جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور"، "اقدام مسلحانه و ترور" و "جاسوسی" است؛ لذا دادگاه انقلاب همانند دادگاه عمومی، طبق مقررات قانون آیین دادرسی کیفری تشکیل شده و نظارت بر احکام صادره در دادگاه‌های انقلاب نیز مانند دادگاه‌های عمومی از طریق تجدیدنظرخواهی و فرجام‌خواهی در مراجع عالی اعمال می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود ترتیبی اتخاذ گردد تا از تکرار مجدد این خطا که نشان‌دهنده سوءنیت منابع اولیه اطلاعاتی گزارش در به‌کاربردن "معنای لفظی" به جای "مفهوم حقوقی" که عملاً موجب تنزل جایگاه و مرجعیت حقوقی سازمان ملل است، اجتناب شود.

در بند ۷ گزارش "علم قاضی" (knowledge of the judge) را، بدون آن که در مورد این نوع از ادله اثبات وقوع جرم، تحقیق و بررسی به عمل آورید، از نقائص آیین دادرسی برشمرده و از آن به عنوان یکی از "موانع بنیادین ساختاری و حقوقی در دادرسی عادلانه و تضمینات رسیدگی مقتضی"^۱ یاد نموده‌اید؛ حال آن که مطابق ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی "علم قاضی" عبارت است از یقین حاصل از مستندات بین در امری که نزد وی مطرح می‌شود. در مواردی که مستند حکم، "علم قاضی" است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند. طبق تبصره همین ماده "مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات" که نوعاً علم آور باشند، می‌تواند مستند علم قاضی قرار گیرد. در هر حال مجرد علم استنباطی که عموماً موجب یقین قاضی نمی‌شود، نمی‌تواند ملاک صدور حکم باشد. بنابراین علم قاضی، استنباط یقینی، آن هم بر اساس قرائن و امارات بین است و قاضی نمی‌تواند بر اساس صلاحدید شخصی صرف و غیرمستند، اقدام به صدور حکم یا دستوری نماید.

گزارش با وجود این که کم و کیف برخی مجازات‌ها در ایران را زیر سؤال می‌برد، اما هیچ توجهی به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران به عنوان گذرگاه ترانزیت بخش عمده‌ای از مواد مخدر جهان به سوی غرب و به ویژه اروپا نمی‌کند. قرار گرفتن ایران در همسایگی بزرگترین تولیدکننده مواد مخدر سنتی جهان، موجب گردیده تا برنامه‌ریزی در جهت مقابله با قاچاق مواد مخدر از اهمیتی راهبردی برای کشورمان برخوردار باشد. بر اساس آمار "دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد" (UNODC) بیش از ۸۰ درصد کشفیات مواد مخدر در جهان، متعلق به جمهوری اسلامی ایران است. ایران به عنوان شریک اصلی سیاست و برنامه‌های این دفتر در غرب آسیا به دلیل تلاش‌های شگرفی که در این راه انجام داده، بارها توسط مدیران اجرایی این دفتر، به عنوان پرچم‌دار مبارزه بین‌المللی علیه مواد مخدر نامیده شده است.

کشف و توقیف بیش از ۹۵۰ تن انواع مواد مخدر و مواد روان‌گردان در طول سال گذشته که در مقایسه با سال قبل از آن ۲۰ درصد افزایش داشته است، دستاورد و رکورد جدیدی را برای جمهوری اسلامی ایران رقم زده که

^۱ - "Fundamental structural and legal impediments to fair trial and due process guarantees"

در طول تاریخ مبارزه ایران با قاچاق مواد مخدر بی سابقه است. اما نکته تأسف بار آن است که از زمانی که امریکا و متحدان این کشور در ناتو حضور مستقیم نظامی در افغانستان پیدا کردند، تولید مواد مخدر در این کشور به طور شگفت آوری افزایش یافته و از حدود ۲۰۰ تن در سال ۲۰۰۱ به بیش از ۹۰۰۰ تن در شرایط کنونی رسیده است. به عبارت دیگر، در برابر چشمان هزاران نظامی امریکایی و غربی، تولید مواد مخدر در افغانستان بیش از ۴۵ برابر افزایش پیدا کرده است. به دیگر سخن، جمهوری اسلامی ایران در مسیر مبارزه با مواد مخدر مواجه با دو مشکل است که ریشه هر دو مشکل امریکا و متحدان غربی این کشور (بانی و هم بانیان قطعنامه) هستند. مشکل نخست افزایش غیرقابل باور تولید مواد مخدر در سرزمینی است که نیروهای مسلح امریکا و دیگر اعضای ناتو در آن حضور دارند، مشکل دیگر جلوگیری همین کشورها از دسترسی ایران به تجهیزات نظامی و غیرنظامی مبارزه با مواد مخدر با اعمال و اجرای تحریم های ظالمانه و غیرقانونی است که به خاطر عدم دسترسی به این امکانات، ملت ایران متحمل صدمات، خسارت ها و هزینه های معنوی و مادی جبران ناپذیر بسیاری گردیده که از آن جمله می توان به به شهادت رسیدن بیش از ۴۰۰۰ نفر و جانبازی بیش از ۱۲ هزار نفر نیروهای نظامی و انتظامی اشاره کرد.

با این وصف، حیرت آور است که چگونه سازمان ملل متحد و دبیرکل محترم آن در مقابل اقدامات یکجانبه غیرقانونی و ظالمانه آمریکا و برخی دولت های اروپایی که به طور مستقیم بر تأمین تجهیزات مورد نیاز برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر تأثیر گذاشته و اقدام آنها در تحریم ایران موجب سلب حیات صدها و صدمه به هزاران سرباز ایرانی شده است، سکوت اختیار می کند!

جامعه ایرانی جامعه ای چند قومیتی با آمیختگی های کهن فرهنگی و مذهبی است و اطلاق عنوان اقلیت به اقوام مختلف که هر کدام بخشی از جمعیت این کشور پهناور را تشکیل می دهند، غیرمنطبق با این پیشینه است. بنابراین ضمن تأکید بر جایگاه رفیع قومیت ها و جایگاه مؤثر آنها در همه تصمیم گیری های ملی و در همه ارکان قضایی، تقنینی و اجرایی کشور، متذکر می شود، مطابق با "عدالت" نیست که تحت پوشش دفاع از حقوق بشر، از دستگاه مجری "عدالت" خواسته شود تا میان مجرمان به دلیل تعلق آنها به قومیت خاص، "عدالت" را رعایت نکرده و در حکم، تبعیض روا دارد.

اختصاص سرفصلی برای "دوتابعیتی‌ها" در گزارش، بدون در نظر گرفتن حقایق و واقعیات پرونده‌های قضایی افراد، برخلاف بدیهی‌ترین و ابتدایی‌ترین اصول قانونی و قضایی چون "اصل تساوی افراد در برابر قانون" و "اصل منع رواداشتن تبعیض میان افراد" است. به عبارت دیگر، این رویکرد گزارش به این معنا است که به صرف داشتن تابعیت یک کشور غربی، فرد متهم باید از حقوق بیشتری نسبت به دیگران برخوردار شود. این در حالی است که با وجود این که تابعیت مضاعف از منظر قوانین جمهوری اسلامی ایران وجاهتی ندارد، اما داشتن تابعیت کشور دیگر همان‌طور که موجب برخورداری از امتیاز بیشتری نمی‌شود، باعث تضییع حق وی هم نخواهد شد.

تعبیر گزارش در بند ۳۲ مبنی بر "استثنا نمودن گروه‌های معین از زندانیان" از شمول طرح‌های آزادسازی زندانیان به خاطر شیوع ویروس کرونا و سپس قراردادادن مدافعان حقوق بشر، وکلا، دارندگان تابعیت مضاعف و اتباع خارجی، فعالان محیط زیست، اقلیت‌های مذهبی و قومی و همچنین زندانیان عقیدتی در این دسته‌بندی‌ها، به هیچ عنوان با واقعیت منطبق نبوده و به دور از انصاف است. همان‌گونه که قبلاً بارها عنوان شده؛ ایران اولین کشوری است که در روزهای ابتدایی شیوع ویروس کرونا در اقدامی مبتکرانه با بخشنامه‌های رئیس قوه قضاییه مبادرت به اعطای مرخصی به بخش قابل توجهی از زندانیان کرد. دستگاه قضا با علم به این موضوع که تبعات این بیماری می‌تواند جان بسیاری از زندانیان را تهدید کند، اقدامی بی‌بدیل و ابداعی که مسبوق به سابقه نبوده، صورت داد که در نتیجه آن بیش از ۱۲۰ هزار زندانی اعم از زندانیان سیاسی، امنیتی، دوتابعیتی و مانند آن با احراز شرایط مقرر در قانون و بخش-نامه‌های صادره از سوی رئیس قوه قضاییه، از زندان آزاد شدند که در حال حاضر حدود یک چهارم زندانیان کشور در مرخصی کرونایی به سر می‌برند.

اشکال دیگر گزارش، نتیجه‌گیری و اطلاق حکم کلی بر اساس یک واقعه یا امر موقت و استثنایی (فارغ از درستی یا نادرستی خبر آن) است که دور از انصاف و شأن بالاترین مقام اداری سازمان ملل متحد است.

- استنتاج نقض حقوق اقلیت‌ها از بازداشت چند نفر فارغ از وابستگی‌های مذهبی، قومی یا فرقه‌ای صرفاً به دلیل ارتکاب جرائم مصرح در قانون؛

- استنتاج نقض آزادی بیان از محدود شدن چند روزه برخی دسترسی‌ها به صورت موقت به منظور محروم کردن آمران و عاملان اصلی اغتشاشات از استفاده مخرب و تروریستی از آی سی تی و اینترنت، منطبق با اسناد و معاهدات بین‌المللی حقوق بشری از جمله بند ۱ ماده ۴ و ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در شرایط خاص و اضطراری و در مواقعی که امنیت ملی و نظم عمومی، اخلاق عمومی و حقوق و آزادی‌های سایرین مورد تهدید و تعرض قرار می‌گیرد، (این محدودیت موقت و محدود، محل روند عادی زندگی مردم نبوده و روند تأمین نیازهای مالی، بانکی، اقتصادی، اجتماعی و خبری آنها از طریق فضای مجازی را مختل نکرده است).

چگونه است که عده‌ای از بازداشت‌شدگان تحت قرار بازداشت موقت، بر اساس دستور ۲۰ مارس ۲۰۲۰ رئیس قوه قضاییه با عناوین اتهامی مختلف از جمله اقدام علیه امنیت ملی در چارچوب ضوابط و مقررات و با نظر ارفاق و مدارا آزاد می‌شوند، اما کماکان در گزارش اعلام می‌شود که "هنوز هیچکس بر اساس این دستور آزاد نشده است"؟!

چگونه است که در همان روزهای ابتدایی شیوع کرونا و در اقدامی ابتکاری و بی بدیل بر اساس بخشنامه‌های رئیس قوه قضاییه بیش از یکصد هزار نفر از زندان آزاد می‌شوند، اما در گزارش وضعیت حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران عنوان می‌شود که "ارزیابی درخواست‌های مرخصی کند بوده است"!

شرح و بررسی متعادل و بی‌طرفانه وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران مستلزم توجه متعادل به تمامی ابعاد و وجوه آن است. نمونه برخورد نامتوازن با وضعیت حقوق بشر در ایران تخصیص صرفاً ده بند (بندهای ۴۰ تا ۵۰) به حقوق اقتصادی اجتماعی (تأثیر چالش‌های اقتصادی و تحریم‌ها بر حقوق اجتماعی و اقتصادی) از مجموع ۶۱ بند پیش‌نویس گزارش دبیرکل است. این در حالی است که بر اساس نظرسنجی‌های معتبر دغدغه مهم و اصلی مردم ایران در شرایط کنونی، مسایل اقتصادی است که عمده‌تأثر از تحریم‌های ظالمانه امریکا و متحدان غربی آن است. به عبارت دیگر، بیش از ۸۰ درصد گزارش جناب‌عالی به موضوعاتی اختصاص یافته که دغدغه ۸۰ درصد

مردم ایران نیست. این رویکرد موجب می‌شود تا این شائبه به وجود آید که گروه‌های تروریستی و گروه‌های وابسته به دولت‌های معاند ملت ایران، نقش پررنگی در تدوین محورها و تنظیم موضوعات گزارش دبیرکل سازمان ملل دارند.

در گزارش، در حالی از مسئولیت متخلفان و ناقضان حقوق بشر سخن به میان می‌آید که در هیچ جای آن به تحریم‌های غیرقانونی، ظالمانه و جنایت‌کارانه رژیم آمریکا به عنوان یکی از بارزترین مصادیق نقض حقوق بشر و آثار و پیامدهای مخرب، خسارت‌بار و کُشنده آن و نیز مسئولیت بین‌المللی رژیم آمریکا در "نقض قواعد آمره" و "مجازات" همه مردم ایران با وضع و اعمال "تحریم‌های استثنائناپذیر" اشاره‌ای هم نمی‌کند. در نتیجه، تهدید جان و روان و تضییع حقوق آحاد مردم به واسطه تحریم‌هایی که همه عرصه‌های اقتصاد، نفت و گاز، صنعت، کشاورزی، علوم و تحقیقات، حمل و نقل هوایی و دریایی، ساخت و ساز، فلزات، مالی و بانکی و حتی غذا، دارو، تجهیزات پزشکی و بشردوستانه را در برمی‌گیرد، هیچ جایگاهی در منطق حقوق بشری گزارش نداشته و عملاً با این رویکرد، تصمیم قطعی رکن اصلی سازمان ملل متحد (دیوان بین‌المللی دادگستری) در قرار موقت سال ۲۰۱۸ مبنی بر لغو کامل تحریم‌های تأثیرگذار بر حقوق بشر، به‌طور کامل نادیده گرفته و تلویحاً زیر پا گذاشته شده‌است. از سوی دیگر، بی‌توجهی مطلق نسبت به یافته‌ها و مستندات "گزارشگر ویژه آثار منفی اقدامات یک‌جانبه قهری در بهره‌مندی از حقوق بشر" که در گزارش اخیر خود به موارد متعددی از تحریم‌های غیرقانونی و ظالمانه و جنایت‌کارانه رژیم آمریکا علیه ملت ایران از جمله موارد ذیل اشاره کرده‌است، گواه روشن دیگری بر غلبه رویکرد سیاسی بر سرشت حقوق بشری و بی‌طرفانه گزارش است؛

۱. ممانعت استفاده ایران از نرم‌افزار زوم حتی در دوره شیوع کرونا،

۲. ممانعت استفاده ایران از وام از بانک جهانی حتی در دوره شیوع کرونا،

۳. تحریم نفت‌کش‌های ایران،

۴. تحریم واردات دارو،

۵. تحریم تجهیزات داروسازی،

۶. تحریم تجهیزات بیهوشی،

۷. تحریم دستگاه‌های تنفسی،
 ۸. تحریم تجهیزات چشم پزشکی،
 ۹. تحریم تجهیزات بیماری‌های قلبی،
 ۱۰. تحریم تجهیزات آندوسکوپی،
 ۱۱. تحریم تجهیزات سی تی اسکن،
 ۱۲. تحریم دستگاه‌های دیالیز،
 ۱۳. تحریم ابزارهای پیوند کلیه،
 ۱۴. تحریم تجهیزات درمانی و کنترل دیابت،
 ۱۵. تحریم تجهیزات رادیولوژی دیجیتال،
 ۱۶. تحریم تجهیزات الکتروشوک،
 ۱۷. تحریم ابزارهای معاینه حنجره،
 ۱۸. تحریم تجهیزات سونوگرافی،
 ۱۹. تحریم تجهیزات آزمایشگاهی،
 ۲۰. تحریم پانسمان‌های مخصوص،
 ۲۱. تأثیر منفی تحریم‌ها بر عملکرد بیمارستان‌ها در دوره شیوع کرونا،
 ۲۲. تحریم تمام شرکت‌های متعامل با سازوکار اینستکس،
- هم چنین شایان ذکر است تحریم‌های ظالمانه علیه ملت ایران که بخش کوچکی از آن در گزارش "گزارشگر ویژه آثار منفی اقدامات یک‌جانبه قهری در بهره‌مندی از حقوق بشر" آمده‌است، خسارت‌های مالی سنگین و تبعات جسمی و روحی فراوانی را بر جای گذاشته که بخشی از این پیامدهای مالی و جانی در گزارش این گزارشگر به شرح زیر ذکر شده‌است:

۱. عدم دسترسی پزشکان به اطلاعات علمی مربوط به ویروس کرونا

۲. محرومیت بسیاری از ایرانیان از حق تحصیل در دانشگاه‌های جهان
۳. مرگ بیماران مبتلا به بیمارهای مزمن به دلیل محدودیت دسترسی به درمان
۴. آزار روانی بیماران به دلیل عدم دسترسی به دارو
۵. تأثیر منفی تحریم‌ها بر اتباع خارجی مقیم ایران به‌ویژه افغانستانی‌ها
۶. نقض حقوق کودکان ایرانی به واسطه تحریم‌ها
۷. نقض حقوق زنان ایرانی به واسطه تحریم‌ها
۸. نقض حقوق میلیون‌ها مهاجر به واسطه تحریم‌ها
۹. نقض حق غذا به واسطه تحریم‌ها،
۱۰. نقض حقوق شهروندان ایرانی به واسطه تحریم اشخاص حقیقی و حقوقی.

علاوه بر این، با وجود تصریح گستاخانه مقام‌های امریکایی و تأکید آنها بر جلوگیری از دسترسی جمهوری اسلامی ایران به منابع مالی مورد نیاز برای تأمین نیازهای اساسی مردم ایران، اذعان وقیحانه به آثار و پیامدهای خسارت‌بار این تحریم‌ها بر وضعیت اشتغال و معیشت مردم ایران و اعتراف به تلاش برای ضربه زدن به ملت ایران، اما متأسفانه گزارش نهایی دبیرکل سازمان ملل متحد با بی‌تفاوتی و سکوت از کنار این جنایت فاحش علیه بشریت می‌گذرد و اشاره‌ای به جنایات امریکا و صدمات و خسارت وارده بر مردم ایران نمی‌کند. در این چارچوب مناسب است به برخی از ادعاها و اعتراف‌های مقام‌های امریکایی اشاره شود:

۱. «ما موفق شده‌ایم هزینه‌های ایران را افزایش دهیم ... تحریم‌هایی که ما اعمال کرده‌ایم شدیدترین مجازات‌ها هستند ... صادرات نفت ایران بیش از ۲ میلیون بشکه در روز کاهش یافته و درآمد ایران از نفت را بیش از ۸۰ درصد کاهش می‌دهد. این رقم زیانی حدود ۵۰ میلیارد دلار در سال به ایران است. دولت ایران با نیمی از کل وام‌های بانکی معوقه با بحران بانکی روبرو است، بیکاری در ایران افزایش یافته از هر چهار جوان

ایرانی یک نفر بیکار است. تورم ۴۰ درصد است». (برایان هوک، نماینده ویژه وزارت خارجه آمریکا در امور ایران، ۱۷ ژانویه ۲۰۲۰)^۲

۲. «ما با استفاده از هر ابزاری، یک رویکرد جامع را برای اعمال حداکثر فشار اقتصادی ... علیه ایران در پیش گرفته‌ایم. رئیس جمهور تحریم‌ها را برای بزرگترین بخش‌های درآمدزا در اقتصاد ایران از جمله انرژی، مالی، حمل و نقل، فلزات گران‌بها، هواپیمایی و خودرو، دوباره اعمال کرد. ما بیش از ۱۰۰۰ فرد، نهاد، هواپیما و کشتی را به فهرست تحریمی خود اضافه کرده‌ایم ... ما با هدف قراردادن سودآورترین نهادهای ایران، مهم‌ترین آن بخش نفت، این فشار اقتصادی را بیشتر کرده‌ایم ... ما بزرگترین گروه هلدینگ پتروشیمی ایران، شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس را ... تحریم کردیم. این شرکت همراه با شرکت‌های تابعه تعیین شده خود ۴۰٪ از کل ظرفیت تولید پتروشیمی ایران را کنترل کرده و ۵۰٪ از کل صادرات پتروشیمی ایران را بر عهده دارد ... از اواخر ماه آوریل ۲۰۱۸، میزان کل تجارت ایران به‌طور قابل توجهی کاهش یافته است، از جمله صادرات نفت آن، که در ماه‌های اخیر به‌طور قابل توجهی کاهش داشته است». (سیگال مندلکر، معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا در امور تروریسم و اطلاعات مالی، ۳۱ جولای ۲۰۱۹)^۳

۳. «اقتصاد ایران در سال گذشته تقریباً ۵ درصد کوچک شده است و احتمالاً امسال بیش از ۱۰ درصد کاهش خواهد یافت. ما تخمین می‌زنیم که اقتصاد ایران می‌تواند تا ۱۴ درصد منقبض شود و ایران را به فروپاشی عمیق وارد کند». (برایان هوک، نماینده ویژه وزارت خارجه آمریکا در امور ایران، ۱۱ اکتبر ۲۰۱۹)^۴

۴. «تحریم‌های ما علیه بخش نفت ایران که از ماه می اعمال شده، صادرات نفت ایران را به سطحی رسانده که از زمان شروع جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۰ دیده نشده است. صادرات نفت ایران بیش از دو میلیون بشکه در روز کاهش یافته یعنی کاهش بیش از ۸۰ درصدی درآمد ایران از نفت. این رقم بیش از ۳۰ میلیارد دلار در سال خسارت وارد می‌کند. با احتساب ضررهای دیگر یعنی بیش از ۵۰ میلیارد دلار از ماه می سال ۲۰۱۸ به اقتصاد ایران وارد شده است ... تحریم‌های ما سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز ایران را محدود می‌کند که تأثیری پایدارتر و گسترده‌تر نسبت به از دست دادن فوری درآمد حاصل از کاهش صادرات خواهد داشت. سرمایه‌گذاری‌های بالادستی و پایین‌دستی در بخش نفت و گاز ایران متوقف شده است. سرمایه‌گذاران خارجی تقریباً به‌طور کامل از ایران خارج شده‌اند، میلیاردها دلار سرمایه از بین رفته است ... با گذشت

^۲ . <https://www.state.gov/special-representative-for-iran-brian-hook>

^۳ . <https://home.treasury.gov/news/press-releases/sm748>

^۴ . <https://www.state.gov/special-representative-for-iran-and-senior-advisor-to-the-secretary-brian-hook-2>

زمان، ایران قادر به سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای حفظ تولید طولانی مدت انرژی نخواهد بود ... کاهش صادرات انرژی تأثیرات ثانویه عمیقی در سه زمینه اساسی داشته است: رشد اقتصادی ایران، بودجه سالانه رژیم و دسترسی آن به ارز خارجی.

اول: رشد اقتصادی؛ سال گذشته اقتصاد ایران حدود پنج درصد کوچک تر شده است ... این شدیدترین افت یک ساله در بیش از ۳۰ سال است. برخی از تحلیلگران انقباض حتی شدیدتر را پیش‌بینی کرده‌اند که احتمالاً ۱۲ تا ۱۴ درصد است. این امر اقتصاد را در آستانه رکود قرار خواهد داد. تورم نیز افزایش یافته و در حال حاضر به ۴۰ درصد رسیده‌است که این تورم به‌طور قابل توجهی بر قیمت کالاهای اساسی خانگی تأثیر گذاشته و می‌گذارد. روند کاهشی رشد اقتصادی تأثیرات مهمی داشته است.

دوم: بودجه سالانه؛ تأثیر عمده کاهش صادرات، فشار بی‌سابقه بر بودجه ایران است. به دلیل از دست دادن هنگامت درآمد نفت، تقریباً غیرممکن است که رژیم بتواند بودجه معتبری را پیش ببرد. درآمد صادرات نفت به‌طور معمول حداقل ۳۰ درصد از کل درآمد ایران را شامل می‌شود. تحریم‌های ما این رقم را به صفر نزدیک می‌کند.

سوم: ارز خارجی؛ تأثیر عمده کاهش صادرات نفتی، کاهش دسترسی رژیم ایران به ارز خارجی است. این رژیم در حال حاضر برای دستیابی به ارز خارجی مورد نیاز برای تهیه واردات از جمله ماشین آلات، نهاده‌های صنعتی و کالاهای مصرفی در تلاش است. قبل از اعمال مجدد تحریم‌ها، حدود ۵۰ درصد درآمد ارزی ایران به صادرات نفت متکی بود. بخش اعظم آن از پتروشیمی‌ها، فلزات و فرآورده‌های نفتی پالایش‌شده حاصل می‌شد. اکنون همه این صادرات در معرض تحریم‌ها قرار دارد.

به‌طور خلاصه می‌گوییم، صادرات ایران رو به کاهش است، اقتصاد در رکود عمیق است، بودجه دولت با فشارهای بی‌سابقه‌ای روبرو است که نمی‌تواند آن را برطرف کند و دسترسی به ذخایر خارجی حداقل است». (برایان هوک، نماینده ویژه وزارت خارجه آمریکا در امور ایران، ۱۲ دسامبر ۲۰۱۹)^۵

۵. «سرانجام جهان دید که فشار اقتصادی ما برای قطع تقریباً ۸۰ درصد از درآمد نفتی ایران اعمال شد و ما نیز مصمم هستیم که به قطع ۲۰ درصد آخر آن نیز برسیم. همان‌گونه که خود رئیس‌جمهور روحانی گفت که در

^۵ . <https://www.state.gov/special-representative-brian-hooks-economic-speech-at-council-on-foreign-relations/>

نتیجه تحریم‌ها حدود ۲۰۰ میلیارد دلار درآمد خارجی و سرمایه‌گذاری را ایران از دست داده‌است». (مایک پمپئو، ۱۳ ژانویه ۲۰۲۰)^۶

۶. «صادرات ایران کاهش یافته، آنها با انقباض گسترده اقتصادی روبرو هستند ... دسترسی آنها به ذخایر ارزی حداقل شده، بودجه دولت پایین آمده ... تا زمانی که در توافق هسته‌ای ایران بودیم، نتوانستیم صادرات نفت ایران را ببندیم. اما در یک دوره بسیار کوتاه ما بخش نفت ایران را فرو ریختیم. هنگامی که در ماه می ۲۰۱۸ از معامله خارج شدیم، ایران در حال صادر کردن حدود دو و نیم میلیون بشکه نفت در روز بود. اخیراً رویترز نشان داده که صادرات ایران برای ماه آوریل تنها هفتاد هزار بشکه در روز بود ... آنچه در بعد اقتصادی انجام داده‌ایم در تاریخ چهل و یک ساله جمهوری اسلامی سابقه نداشته است». (برایان هوک، نماینده ویژه وزارت خارجه امریکا در امور ایران، ۱۶ ژوئن ۲۰۲۰)^۷

۷. «ما فشار حداکثری را ادامه می‌دهیم، تحریم‌های سنگین برای ملت‌ها دشوار است ... ما نقض این تحریم‌ها را تا حد ممکن برای آنها دشوار می‌کنیم» (مایک پمپئو، وزیر خارجه امریکا، ۱۵ جولای ۲۰۲۰)^۸

۸. «اکنون با تحریم‌هایی که ما اعمال کردیم، بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار از درآمد جمهوری اسلامی ایران را کاهش داده‌ایم». (مایک پمپئو، وزیر خارجه امریکا، ۱۹ آگوست ۲۰۲۰)^۹

۹. «تحریم‌های آمریکا علیه ایران مؤثر بوده‌است ... من فکر می‌کنم ما بسیار موفق بوده‌ایم. ما به اجرای تحریم‌ها ادامه خواهیم داد». (مایک پمپئو، وزیر خارجه امریکا، ۲۰ آگوست ۲۰۲۰)^{۱۰}

۱۰. «ما بخش نفت ایران را فرو ریخته‌ایم». (برایان هوک، نماینده ویژه وزارت خارجه امریکا در امور ایران، ۲۱ آگوست ۲۰۲۰)^{۱۱}

اکنون جای این سؤال منطقی وجود دارد که چرا دبیرکل سازمان ملل متحد در برابر "نقض مستمر و فاحش"

حقوق ملت ایران توسط رژیم امریکا و برخی دولت‌های اروپایی سکوت پیشه کرده‌است؟

^۶ . <https://www.state.gov/the-restoration-of-deterrence-the-iranian-example/>

^۷ . <https://www.cfr.org/event/virtual-meeting-conversation-brian-hook>

^۸ . <https://www.state.gov/remarks-to-the-economic-club-of-new-york/>

^۹ . <https://www.state.gov/secretary-michael-r-pompeo-with-bret-baier-of-special-report-with-bret-baier-2/>

^{۱۰} . <https://www.state.gov/secretary-michael-r-pompeo-at-a-press-availability-11/>

^{۱۱} . <https://www.state.gov/briefings-foreign-press-centers/restoring-united-nations-sanctions-on-iran/>

جای خوشوقتی است که وضعیت یک زندانی در ایران برای دبیرکل سازمان ملل آنقدر اهمیت دارد که یک پاراگراف (پاراگراف ۳۴) از گزارش ۶۱ بندی خود را به آن اختصاص می‌دهد، اما آنچه که قابل درک نیست این است که در همین گزارش که ادعا می‌شود مربوط به "حقوق بشر" است، برای جان بشر آن هم در گستره وسیع و نسبت به افراد بی‌گناه هیچ ارزشی قایل نیست. عدم اشاره گزارش به مرگ ده‌ها کودک معصوم و صدها بیمار بی‌گناه به دلیل دشواری دسترسی به دارو و تجهیزات پزشکی ناشی از اعمال و اجرای تحریم‌های ظالمانه، غیرقانونی و جنایت‌کارانه رژیم آمریکا که به معنای نقض قطعی "حق حیات" و "حق بر سلامتی" هزاران شهروند ایرانی است، چه توجیهی می‌تواند داشته باشد، جز این که ظاهراً از منظر نگارنده این گزارش، کودکان و بیماران آسیب‌دیده از تحریم‌ها اساساً انسان به‌شمار نمی‌آیند تا حتی بخش کوچکی از گزارش به بیان نقض بدیهی‌ترین، اساسی‌ترین و تردیدناپذیرترین حقوق آنها که "حق حیات" و "حق بر سلامتی" است، اختصاص داده شود. در حالی که بنا به گزارش رئیس مرکز مدیریت پیوند و درمان بیماری‌های وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ایران، تحریم‌های ظالمانه و غیرقانونی آمریکا باعث شده تا جان دست‌کم ۳۳۵ بیمار ام‌پی‌اس با تهدید جدی مواجه گردیده و بر اساس اعلام مدیرعامل انجمن تالاسمی ایران ۱۵۰ بیمار تالاسمی طی سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ به دلیل تحریم‌ها و در نتیجه فقدان دارو جان خود را از دست داده‌اند و بر مبنای تصریح رئیس سابق انجمن هموفیلی ایران، تحریم‌های آمریکا موجب معلولیت صدها نفر از بیماران خاص گردیده و بنا بر اعلام مسئول خانه‌ای. بی‌ایران، تاکنون حداقل ۲۰ کودک بی‌گناه پروانه‌ای (EB) به دلیل عدم دسترسی به دارو و پانسمان‌های مربوط، جان خود را از دست داده‌اند.

شاید رأی منفی حامیان صدور قطعنامه سیاسی مجمع عمومی سازمان ملل علیه ایران به قطعنامه ۶ اکتبر ۲۰۲۰ شورای حقوق بشر با موضوع "حقوق بشر و اقدامات قهری یک‌جانبه" عجیب نباشد، اما این که در گزارش تلاش شده تا با نادیده انگاشتن تأثیرات عمیق تحریم‌های یک‌جانبه غیرقانونی و ظالمانه بر ملت ایران، رژیم آمریکا و کشورهای غربی مجری تحریم‌های این رژیم را از هرگونه تقصیری برهاند، توجیه پذیر نیست. آنچه که هیچ شکی درباره عدم‌بی‌طرفی گزارش باقی نمی‌گذارد و سرشت سیاسی گزارش بر ماهیت حقوق بشری آن را به‌طور کامل غلبه

می‌دهد، این است که با وجود این که در یک جای متن پیش‌نویس گزارش "تحریم‌های امریکا" را عامل نابه‌سامانی - های اقتصادی و اجتماعی از جمله افزایش تورم و بیکاری گسترده دانسته و در جای دیگر پیش‌نویس "تحریم‌های امریکا" را عامل ایجاد مشکل برای مواجهه موفق دولت ایران با شیوع بیماری کرونا دانسته است، اما در کمال تعجب در متن نهایی گزارش "تحریم‌های ظالمانه و غیرقانونی امریکا" به‌طور کامل حذف شده‌است!

به هر حال حذف نقش رژیم امریکا و تحریم‌های غیرقانونی آن از گزارش نهایی جناب‌عالی این شائبه را ایجاد می‌نماید که آیا پیش‌نویس گزارش علاوه بر دولت ایران به دولت امریکا نیز داده شده و آیا دبیرکل سازمان ملل متحد در غیرقانونی بودن تحریم‌های ظالمانه و یک‌جانبه‌ای که همه جهان آن را غیرقانونی می‌دانند، تردید دارد؟ قاعدتاً دبیرکل سازمان ملل این تحریم‌های ظالمانه و یک‌جانبه امریکا را قانونی نمی‌داند، پس چرا در مقابل چنین قانون‌شکنی آشکار امریکایی‌ها که سازمان ملل و همه سازوکارهای آن را به سخره گرفته‌است، سکوت اختیار کرده و چرا در یک بازه زمانی کوتاه نام امریکایی‌های ضدقانون و ضدبشر به‌عنوان مرتکبان جنایت علیه بشریت و ناقض مستمر و فاحش حقوق ملت ایران از گزارش نهایی حذف شده تا دبیرکل سازمان ملل متحد در مظان وکیل مدافع تحریم‌کنندگان در کنار قانون‌شکنان و ظالمان و در مقابل ملت مظلوم ایران قرار گیرد؟ این واقعیت تلخ بارها رخ داده که امریکایی‌ها نیویورک را با واشنگتن اشتباه گرفته‌اند، اما آیا تهیه‌کنندگان گزارش دبیرکل نیز نیویورک را با واشنگتن اشتباه گرفته‌اند؟

بدیهی است انجام برخی اصلاحات کوچک و حذف معدودی از ادعاهای نادرست در گزارش نهایی، نمی‌تواند حجم بزرگ اشکال‌ها و ایرادهای شکلی و محتوایی باقیمانده به‌ویژه حذف نام ناقضان حقوق ملت ایران را تحت‌الشعاع قرار دهد.

ضمن تأکید بر اراده راسخ جمهوری اسلامی ایران برای همکاری و تعامل برابر و سازنده در عرصه حقوق بشر، خاطرنشان می‌سازد برخورد سیاست‌زده، غیرمنصفانه، ناعادلانه، تبعیض‌آمیز و غیرحرفه‌ای با مفاهیم و مسائل حقوق بشری، نه تنها هیچ گره‌ای را از مشکلات باز نمی‌کند، بلکه حقوق بشر را به ابزاری برای پیشبرد اهداف نامشروع قدرت‌های بزرگ تبدیل می‌کند. کشورهایی که خود ناقض حقوق دیگر ملت‌ها هستند، نمی‌توانند در مقام مدعی و یا

قاضی وضعیت حقوق بشر در این کشورها بنشینند، بلکه باید در جایگاه متهم قرار گرفته و پاسخگوی جنایات خود در نقض فاحش حقوق بشر به ملت‌ها باشند. برای همین منظور کافی است نگاهی به عملکرد دولت‌های مدعی حقوق بشر در قبال ملت ایران و دیگر ملت‌های منطقه بیندازید؛ امریکا، فرانسه، آلمان، انگلیس، کانادا و سوئد که بیشترین حمله‌های حقوق بشری را در سطح بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران به راه انداخته‌اند، با وضع یا اجرای تحریم‌های ظالمانه، غیرقانونی و جنایت‌بار، بزرگ‌ترین ناقضان حقوق مردم ایران، با فروش تسلیحات پیشرفته به رژیم سعودی، بزرگ‌ترین ناقضان حقوق ملت یمن، با همکاری راهبردی با رژیم صهیونیستی، بزرگ‌ترین ناقضان حقوق ملت فلسطین و با حمایت و پشتیبانی از گروه‌های تروریستی و تکفیری، بزرگ‌ترین ناقض حقوق ملت‌های منطقه از جمله عراق و سوریه و حتی مردم کشورهای خود هستند.

جناب آقای دبیرکل!

"بی‌طرفی"، "استقلال"، "انصاف" و "عدالت" اقتضا می‌کند که گزارش جنابعالی از وضعیت حقوق بشر در ایران در کنار ذکر ادعاها و اتهام‌های گروه‌های تروریستی و معاند ملت ایران، نگاهی نیز به واقعیت‌های حقوق بشری ایران داشته باشد و تدابیر و اقدام‌های زمینه‌ساز و یا منتهی به صیانت از حقوق بشر و نیز تعبیه و ایجاد سازوکارها و ساختارهای ارتقابخش وضعیت حقوق بشر را ارائه دهد؛ اما در کمال تأسف و تعجب گزارش نهایی به‌طور کامل چشم خود را بر روی واقعیت‌های حقوق بشری ایران می‌بندد. به‌طور مثال در گزارش، هیچ خبری از اختصاص بیش از یک‌سوم دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های صادره از سوی رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران به موضوع حقوق بشر از جمله «دستورالعمل حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی در قوه قضائیه» (ژوئیه ۲۰۱۹) نیست. در گزارش، هیچ جایی برای اختصاص مساعدت‌های مالی ویژه و خدمات انسان‌دوستانه دولت جمهوری اسلامی ایران و تلاش‌های وسیع نهادهای نظامی و عمومی برای کاهش خسارات اقتصادی و معیشتی ناشی از شیوع بیماری کرونا تعبیه نشده است. با وجود این که دستگاه قضایی ماهیتاً با مردم و حقوق آنها سروکار دارد و هر گونه نقص و کاستی در سازوکارهای آن می‌تواند موجب تضییع حقوق مردم و در نتیجه نارضایتی آنها از سازوکارهای قضایی شود، اما با

کمال افتخار طی دوره اخیر مدیریت قضایی در جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در مدت زمان تدوین گزارش دبیرکل محترم، بر اساس نظرسنجی‌های معتبر و علمی، رضایت عمومی مردم از کارکرد دستگاه قضایی تا ۷۰ درصد افزایش یافته که این امر بهترین گواه بر پای‌بندی درون‌زای جمهوری اسلامی ایران به شاخص‌ها و معیارهای صیانت از حقوق مردم است، اما با تأسف شدید، گزارش نهایی، چشم خود را به‌طور کامل بر روی این واقعیت حقوق بشری بسته و هم‌چنان متعهد به داده‌های نادرست گروه‌های تروریستی و معاند ملت ایران باقی مانده است. نکته مهم دیگری که در این گونه گزارش‌ها لحاظ نمی‌شود مشروعیت و مقبولیت قوانین اسلامی در میان اکثریت ملت ایران است و این که اتفاقاً مطالبه اصلی آنان از مسئولان، اجرای درست قوانین مبتنی بر احکام اسلامی است.

بی‌توجهی گزارش جنابعالی به بزرگ‌ترین موضوع حقوق بشری ایران و منطقه در سال ۲۰۲۰ موجب تحقیر است. ترور بزرگ‌ترین مدافع حقوق ملت‌های منطقه و مقتدرترین فرمانده مبارزه با تروریسم یعنی سردار شهید سپهبد قاسم سلیمانی که بنا به گزارش "گزارشگر ویژه قتل‌های فراقضایی، خودسرانه و فوری" به چهل و چهارمین نشست شورای حقوق بشر، نقض اصلی‌ترین قواعد مندرج در سه حوزه موضوعی حقوق بین‌الملل یعنی "حقوق توسل به زور"، "حقوق بشردوستانه" و "حقوق بشر" تشخیص داده شده، در این گزارش به فراموشی سپرده شده است. این جنایت چنان تأثیری بر ملت ایران گذاشت که میلیون‌ها ایرانی در ده‌ها شهر طی یک هفته به میدان آمدند و با نوحه و عزا ارادت خود را به بزرگ‌ترین ناجی مردم منطقه اعم از مسلمان سنی و شیعه و پیروان سایر ادیان از جمله مسیحیت ابراز نمودند. باید از دبیرکل محترم پرسید چطور می‌شود درباره وضعیت حقوق بشر در ایران سخن گفت، ولی از موضوعی که به گواه گزارش خانم اگنس کالامارد "نقض آشکار حق حیات مندرج در ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی" بود و همه ملت ایران را متأثر و داغدار نمود، حرفی نزد.

عالیجناب!

در پایان ضمن یادآوری سیاست حقوق بشری و غیر قابل تغییر کشور متبوع خویش در تلاش برای «صیانت و ارتقای حقوق ملت ایران در داخل و خارج در تمامی ابعاد سیاسی و اقتصادی و فرهنگی» و نیز «حمایت از حقوق

مظلومان در برابر ظالمان در سراسر گیتی» که منشأ هجمه‌های سیاسی و اقتصادی علیه این ملت مستقل به نام حقوق بشر گردیده‌است، بازی سیاسی با مفهوم مقدس حقوق بشر را خیانت به ارزش‌ها و آرمان‌های بشری می‌داند که نتیجه آن نقض سیستماتیک، گسترده، مستمر و نهادینه حقوق بشر در جهان خواهد شد. ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران مجدداً ضمن اعلام آمادگی برای همکاری حقوق بشری با جناب‌عالی به دور از هرگونه سیاست‌زدگی، انتظار دارد که جناب‌عالی به‌عنوان عالی‌ترین مقام سازمان ملل متحد، تدابیر و اقدام‌های لازم در خصوص اصلاح و بازنگری فرآیند مخرب و غیرسازنده و سیاست‌زده برخورد با مقوله حقوق بشر را به عمل آورید تا بیش از این حیثیت و آبروی بزرگ‌ترین سازمان بین‌المللی دستخوش اهداف و مقاصد سیاسی چند قدرت زیاده‌خواه و خودبرترین قرار نگیرد.